

پشت پرده سقوط



فرید سیاوش

"تنگه های عبور؛ غم خیز است

بحر آشوب؛ فتنه انگیز است"

وقتی که گفتند ما در افغانستان شکست خوردیم، روشن بود کاسه ی زیر نیم کاسه دارند. چطور ممکن بود باور شود آنانیکه ادعای سردمداری و قدرت اول دنیا را چه از لحاظ اقتصادی چه از لحاظ نظامی، سیاسی و استخباراتی میکنند در برابر یک گروه افراد مسلح خود ساخته به شکست تن داده و خود بلندگوی آن «شکست!» گردند.

همانگونه که برای آمدن و اشغال دو جغرافیای کلان، یازده سپتامبر را خلق کردند؛ برای رفتن ولی ماندن هم سناریو بافته، گروه کوچک طالب موتور سوار را بر یک لشکر دوصد هزاره تا دندان مسلح، یک نظام و دولت بیست ساله ی جان گرفته از دو عشریه شش تریلیون دالر را در ظرف چند روز و چند ساعت ساقط و فراری ساختند.

چرا اردو و یا بهتر بگویم نیروهای امنیتی ننجگیدند و سلاح بر زمین گذاشته یا به دشمن تسلیم دادند؟ چرا مثلث قدرت با دستپاچگی با چپک اما بوجی های دالر فرار کردند؟ رمز و راز این سقوط و بربادی در پشت کدام نمایشنامه نوشته شده بود؟ .

سناریوی پنهان

در سناریوی پنهان سه تا هدف نشانی شده بود (عبور به جنگ نیابتی، کشانیدن پای روسیه و چین):

اول- اینکه جنگ نیابتی شود تا تلفات و مصارف خود را به صفر تقرب داده و تسلط غیر مستقیم خود بر این جغرافیا و داشته های رو زمینی و زیر زمینی آن را توسط طالبان تضمین نمایند. این شیوه تاراج برایشان مزیت های فراوان داشت. افغانستان را در تمام ابعاد ویران و نابود کرده و انتقام تاریخی خود را گرفتند که کم از کم یکشبه صد سال دیگر به قهقرا پرتاپ شدیم و اسلام را با افزار اسلامی بد نامتر به معرفی گرفتند، تا راه برای برگشت شان باز بماند.

نقشه راه سقوط در معاهده چهار ماده پی علنی و سیصد و نود چند صفحه پی پنهان دوحه تنظیم و راه برای تسلط طالبان بر افغانستان هموار گردید. مدیریت کلان جنگ و صلح در افغانستان هیچگاه در دستان و اختیار و صلاحیت زمامداران افغانستان نبوده بل جنگ دیگران در این سرزمین است.

دوم- قرار براین بود با دخول سریع طالبان در شهرها جنگ داخلی راه انداخته شده و داعش شمال کشور این تنگه عبور غم انگیز را به آشوب بکشاند تا روسیه وادار به مداخله نظامی گردد. وقتی پای روسها در این منطقه گیر کرد؛ آنگاه اوکراین با استفاده از آن اشتغال روسیه در حوزه جنوب؛ تصفیه وسیع را در منطقه دنباس براه انداخته مخالفان را به شدت سرکوب و تصفیه جسدی نموده تسلط بر دنباس را کامل، جنگ را بدینگونه خاتمه بخشیده و راه را برای عضویت به ناتو هموار سازد. چون در شرایط جنگ نمیتوانست عضو پیمان نظامی ناتو شده و به بزرگترین و خطرناکترین پایگاه ناتو بر ضد روسیه تبدیل گردد.

سوم- غربی ها در راس امریکا و انگلیس از اژدهای سرمایه و سرمایه گذاری چین سخت در هراس و در فکر ضربه زدن به برنامه های چین از جمله راه ابریشم در این منطقه بودند.

چرا **ترامپ** جیغ میزند که نباید از بگرام بیرون میشدیم؟ نباید آنجا را برای چینی ها رهامیکردیم؛ این شرم تاریخ است! این حرفها همه بازی بودند در جهت زمینه سازی برای کشاندن پای چینی ها به افغانستان برای سرمایه گذاری در عرصه های مختلف. **پرسش مطرح میشود که سود شان از این کار چه بود؟**

قرار بود لوله نفت و گاز به ارزش ابتدایی صدها ملیارد دالر از ایران بطرف چین از طریق افغانستان کشیده شود و ملیارد ها دالر هم سرمایه گذاری بالای پروژه مس عینک لهوگر که ایجاب بند برق بزرگ، بند آب، قطار آهن، دفاتر، خانه های رهائشی برای کارکنان، کارمندان و متخصصین را میکرد و چند پروژه دیگر.

پاکستان وظیفه داشت تا از طریق طالبان این بازار پرمفعت را برای چینی ها پیشکش نموده و آنان را تشویق به پر کردن خلای که با رفتن امریکا و سایر کشور های غربی به میان آمده بود، پر کند. چینی ها هم سخت متمایل به حضور قدرتمند اقتصادی در افغانستان بودند؛ اما متوجه یک **بازی خیلی خطرناک** شده حاضر نشدند تا در دام این بازی بیافتند. امریکا و انگلیس به این نتیجه رسیده بودند که عمران خان رئیس جمهور پاکستان آن دو برنامه را به پوتین رئیس جمهور روسیه و شی جین پینگ رئیس جمهور چین فاش ساخته و به همین دلیل او را از کرسی صدارت پاکستان با صحنه سازی برداشتند.

بازی چه بود؟

وقتی جمهوری چین حاضر میشدند تا با آن ارقام نجومی در افغانستان سرمایه گذاری و حضور فعال پیدا کرده و کار ها پیش میرفت، پاپالین نفت و گاز مورد حمله یک گروه تروریستی از جمله بیست و چند گروه موجود در افغانستان قرار میگرفت و آهسته آهسته پای نظامیان چینی را برای حفظ آن تاسیسات بزرگ و گران قیمت به افغانستان میکشاند. حملات آهسته آهسته پردامنه تر شده تا چین هم قوتهای بیشتر بفرستند و آنگاه سایر گروههای تروریستی همه فعال شده و سر انجام "**جهاد اکبر!**" علیه چین و منافع آنکشور نه تنها در افغانستان بل در منطقه و کشور های اسلامی و قاره افریقا براه اندخته شده، پروژه راه ابریشم نابود و چین به سرنوشت روسها و خود امریکایی ها گرفتار میگردد.

